

با نگاه به وضعیت زنان در هند، ژاپن و ترکیه

زنان و معضل توسعه در جهان امروز

مژده جعفری

حضور زن در خانه و حضور مرد در جامعه بود. به تدریج در روند مدرنیسم نیروی کار زنان نیز در جامعه به مشارکت طلبیده شد بدون اینکه هیچ‌گونه حقی در نقش سنتی وی قائل شوند و بدین ترتیب برزخ توسعه در جوامع در حال توسعه که در حالت گذار از سنتی به مدرنیاند باعث شد که زنان از یک سو به ایفای نقش سنتی و از سوی دیگر، به فعالیت اجتماعی بپردازند.

اینک این سؤال مطرح است که چرا امروزه در بررسی شاخصهای توسعه به «فعالیت اقتصادی و سیاسی و موقعیت اجتماعی زنان» توجه خاص مبذول می‌شود؟ اولین گام در جهت توسعه، پذیرش مسئولیت توسعه زنان است. چرا که در غیر این صورت جامعه از عدم مشارکت بیش از نیمی از جمعیت خلاق در امر توسعه متضرر می‌گردد. ضرورت دیگر مشارکت در یافتن یک هویت و احساس رضایت در زنان است که به خاطر شرکت در سازندگی ایجاد می‌شود.

این مشارکت نیازمند تحولات و پیش‌زمینه‌هایی است که عبارت‌اند از: الف) حمایت قانونی از زنان که در قوانین مننی کشور منعکس می‌شود؛ ب) رفع تبعیض که ناشی از حمایت قانونی و همچنین چگونگی اجرای آن قوانین است؛ ج) وجود تبعیض مثبت یا امکانی که زنان به واسطه طبیعت خویش نیازمند آنها هستند.

پژوهش حاضر نقش زنان را در کشورهای هند، ژاپن و ترکیه مورد توجه قرار می‌دهد.

در دنیای امروز کم و بیش در غالب کشورهای جهان بحث «زن، حقوق، اختیارات و نقش وی در توسعه» مطرح است. زمانی که سخن از نوسازی از قرون شانزدهم و هفدهم در همه ابعاد به میان آمد در زمینه سیاست به حق شهروندی منجر گردید در زمینه اجتماعی در ساختار آموزشی تمکس یافت و همچنین در زمینه‌های صنعتی و اقتصادی تأثیر شگرفی بر جای نهاد. پس از جنگ جهانی دوم تغییر عمده‌ای حاصل شد؛ به گونه‌ای که غرب به دلایل مختلف از جمله مقابله با خطر کمونیسم گرایش شدیدی به طرح مسئله در ارتباط با کشورهای توسعه نیافته پیدا کرد. اولین منخل مباحث توسعه بعد اقتصادی بود که البته در آن مقطع ابتدا با مفهوم رشد همراه شده بود ولی به تدریج پس از توجه به افزایش رشد متعاقباً دموکراسی نیز مطرح گردید و توسعه اجتماعی هم به این مباحث افزوده شد. طی این فرایند بود که نظریات توسعه در غرب شکل گرفته لیکن به دلایل فرهنگی با جهان سوم سختی نداشت. پس از دهه ۱۹۷۰ به بهترین وجه توسعه نیروی انسانی توجه شد و در همین زمان بود که موضوع نقش زنان در توسعه مورد توجه قرار گرفت.

نظریات توسعه در دو بعد کلان و خرد باعث ایجاد شکاف گردید. در سطح کلان به شکاف میان کشورهای توسعه یافته و نیافته و در سطح خرد به شکاف بین زن و مرد منجر گردید؛ به طوری که زنان به قربانیان و مردان به بهره‌وران فرایند توسعه تبدیل گردیدند چرا که قبل از مدرنیسم تقسیم سنتی کار به صورت کاملاً اجتناب‌ناپذیر مستمزم

۲. ارزش سنتی دارد زیرا متقد هندوهند که نام خانوادها را پس از زاده می‌دارد.

۳. ارزش منعی دارد زیرا دوست که حق اجرای آیینهای منعی را برای آموزش روح در گذشتگان خانوادها دارد و دخترها از این حق محرومانند.

این اختلاف بین پسر و دختر چنان است که زمانی که دخترها برای «مراسم آتش‌های منعی» به پای بزرگراه می‌افتند آنها برای دختران آرزو می‌کنند که خانواد به آنها پسرهای متعددی عنایت کند.

۴. برای شوهر دختران نیز شدید به چیزیهی است و این خود بار سنگینی بر دوش خانوادها می‌گذارد که متأسفانه تبعات نگواری را به دنبال دارد.

برای این شاید طبیعی به نظر برسد که وقتی در خانوادها دختر به دنیا می‌آید خوشحال بودن خانوادها برعکس غمگین و عزاداری می‌شوند و شدت و درجه این تاثیر بستگی کامل به ثروت و طبقه اجتماعی خانوادها دارد متأسفانه خانوادهای فقیر روستایی دچار بحرانهای شدید می‌شوند که گهگاه خانوادشان از هم می‌پاشند.

نظام ازواج

مسئله ازواج در هندوستان، آنچه به وسعت کشور مذکور دارای ناب و سنت خاص است که متأسفانه سنتهای رایج باعث بحرانهای خاصی در این سرزمین بهترشده است.

ازواج به طریق سنتی و رسوم مربوط به چیزیه و غیره با وجود ممنوعیت قانونی، از سال ۱۶۶۱ همچنان پربرجسته و با ازدواج یک دختر لسان این که تمام سرمایه یک خانوادها پس‌اندازی که طی سالها به دست آورده از بین برود وجود دارد در نتیجه خانوادها دختر تیربار سنگین قرض قرار می‌گیرند از طرفی شوهر نماندن دختر نیز گناه محسوب می‌شود. از نظر اجتماعی هم نپذیرفتنی است و برای رفاهی از این وضعیت خانوادها راجل غیرنسانی و دشمنانه‌ای را انتحاب کرده‌اند که متأسفانه مورد قبول جامعه هندی نیز قرار گرفته و آن کستن دخترها به طرق مختلف است متأسفانه طبق گزارشها و بررسیهای انجام شده نسبت زن به مرد در جمعیت هندوستان گواه تصمیبات نژون و سدلتی است.

متأسفانه در دهه ۱۹۸۰، هند شاهد افزایش دخترکشی بود این کار به طرق مختلف صورت می‌گیرد مثلاً در شهرها از دقیقترین آزمایشها برای سلامتی جنین که آزمایش «آمینوستس» است برای تعیین جنسیت استفاده می‌شود که در صورت دختر بودن نوزاد سقط جنین انجام می‌گیرد در روستاها از روشهای مختلف نظیر موارد زیر برای از بین بردن نوزاد دختر استفاده می‌شود:

۱. خفه کردن نوزاد دختر پس از به دنیا آمدن به وسیله بالش؛

۲. مسموم کردن نوزاد در طی هفته اول حیات او؛

طبق پرسشگری که مددکاران انجام دادند در روستاهای طلبا در جنوب هندوستان، راجستان، ایلات ماهاراشترا، ۶۴۰ خانوادها ۵۱ درصد نوزاد دختر خود را کشتلاند.

ژاپن

نوع خانوادها

پیش از جنگ جهانی دوم بیشتر ژاپنها در خانوادهای گسترده‌ای مشتمل بر سه نسل و بیشتر زندگی می‌کردند. بر روابط خانوادگی نظام سلسله مراتب محکفرا بود و اقتدار و اختیار خوشنویان قوی و مستحکم بود. پدران احترام به بزرگتران و اطاعت از آنان را به فرزندان ش توصیه می‌کردند و به نوبه خود رفتار مشابهی در برابر اولاد خود داشتند؛ از بانوان شوهردار انتظار می‌رفت که صلواته، مطیع و متقاد همسران و پدر شوهران و ملاز شوهران خود باشند.

یکی از اساسیترین تحولات در دوران پس از جنگ تغییر در بخش قانونگذاری جمله‌ای ژاپن بود. در قوانین جدید مدنی، نظام خانوادها پیش از جنگ ناپدید گرفته شده و ایندولوزی مساوات‌طلبی در عرصه خانوادها مطرح گردید. به هر حال حتی با گذشت پنجاه سال از وضع قانون جدید برخی از ویژگیهای نظام قدیمی خانوادها همچنان باقی است در قانون مدنی پیش از جنگ نظام بنیادی خانوادها (مرسوم به لی) مطلوب تلقی می‌شد در نظام «لی» نهاد خانوادها بر اصول اخلاقی کنفوسیون رایج در میان طبقه حاکم سامورایی در دوران قدیم استوار بود. این نهاد بعدها توسط دولت «میچی»، نخستین دولت جدید (۱۸۶۸)

مشروعیت قانونی یافت.

نظام مذکور دارای دو بُعد بود: یکی موقت و دیگری ساختاری. در نظام

خانوادها پیش از جنگ، تلوم خطی یا نسلی خانوادها مهمترین ویژگی محسوب می‌شد این امر مستلزم وجود سرپرست خانوادها و قانون جانشینی فرزند شد. سرپرستی خانوادها به عهده مردی قرار گرفت که با حفاظت از اعضای

خانوادها تضمین مدنی (توسعه سرمایه خانوادها) انتخاب همسر و نیز انتخاب جانشین برلی خود از حقوق برخوردار بود وظایف برعهده داشت. تحت این نظام بود که زنان در مقایسه با سرپرست خانوادها یعنی مردان نقش ثانویه داشتند. در چنین وضعی جایگاه هر یک از اعضای خانوادها کاملاً مشخص بود در این جنبه ساختاری به موضع قدرت کسبی که در این جایگاهها قرار داشتند اولویت داده می‌شد. به همین دلیل است که نظام خانوادها پیش از جنگ را غالباً پیش از آنکه یک گروه

در نظر بگیرند «واحد جمعی» می‌نامند.

اما پیشرفت روند دموکراتیک پس از جنگ جهانی دوم، چهره زندگی ژاپنها را تغییر داد. تجدید نظری که در سال ۱۹۴۷ در مجموعه قوانین کشور به عمل آمد مظهر اهمیت و برتری بود که به بانوان وضعیت قانونی مشابهی با مردان در کلیه مراحل زندگی داد و در نتیجه امتیاز پدرسالاری خانوادها نود شد.

طبق اصل چهاردهم قانون اساسی ۱۹۴۷ ژاپن، «همه مردم در برابر قانون یکسان بوده و هیچ‌گونه تبعیضی در روابط سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی به خاطر نژاد آیین، جنسیت موقعیت اجتماعی و منشا خانوادگی وجود نخواهد داشت...».

رشد سریع اقتصادی نیز ضربه بزرگی بر پیکر زندگی خانوادگی وارد آورد یکی از نمایانترین تغییرات افزایش تعداد فرزندی بوده است که



خانوادگی‌های هسته‌ای (فقط مشتمل بر پدر و مادر فرزندان) زندگی می‌کردند یعنی گرایش که با پیشرفتهای مدنی و تکنولوژیک تقویت شده است. خانواده گسترده در سال ۱۹۹۵، ۴۴ درصد کل خانواده‌ها را تشکیل می‌دادند اما این نسبت همواره کاهش یافته و در سال ۱۹۷۰ به ۱۹ درصد و در سال ۱۹۸۰ به ۱۶٫۳ درصد و در سال ۱۹۸۵ به ۱۵/۲ درصد سقوط کرد تغییر بزرگ دیگری که در خانواده رخ داده است کاهش سریع تعداد کودکانی است که زنان به دنیا آورده‌اند. میانگین تعداد کودکان در سال ۱۹۲۰ برای هر زن ۴/۷ فرزند بوده است لیکن این رقم در سال ۱۹۵۰ به ۲/۶ و در سال ۱۹۸۵ به ۱/۸ کودک تنزل یافت این سقوط، همراه با گرایش فرزندمندی که میان جوانان برای یافتن کاری در شهر و زندگی در خلیج‌های شرکتها یا در منازل خودشان به وجود آمده بود به کاهش در میانگین تعداد هر خانواده زائینی که اکنون ۲/۲۲ نفر است کم کرده است. در حال حاضر نظام مطلوب خانواده عبارت است از شوهری که در بیرون از خانه کار می‌کند و همسری که وابسته به خانواده است و فرزندان (معمولاً یک فرزند). قوانین مدنی، نظام مالیاتی، بیمه‌های اجتماعی و تأمین اجتماعی نیز براساس همین انگ تمومین شده است. حتی پانزده سال گذشته گروه‌هایی که با این نظام خانواده مخالفت کنند به وجود آمده و فعال بوده‌اند. حتی گروه‌هایی بوده‌اند که برای هر یک از زن و شوهر یک

خانواده با نام خانوادگی جداگانه‌ای را توصیه می‌کند. این گروه‌ها در کلیه موارد مربوطه به خانواده راحط‌های فردی ارائه می‌دهند مثلاً خوهان این هستند که روابط فرد با جامعه براساس خانواده نباشد و امور حقوقی، مالیاتی، تأمین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی به جای «خانواده» براساس «فرد» باشد آنها همچنین خوهان برابری در ارث کودکان تاشروع در مقایسه با فرزندان شروع هستند.

در نتیجه فروپاشی خانوادگی گسترده و افزایش طول عمر زائینی‌ها، تعداد سال‌خوردگانی که به اندازه‌ی خودشان زندگی می‌کنند فزونی گرفته است نسبت خانوادگی‌ها که فقط مشتمل بر افراد ۶۶ ساله یا بالاتر است از ۶۲ درصد در سال ۱۹۵۵ به ۸/۸ درصد در سال ۱۹۸۶ فرود شد. تا شده اخیراً توجه به مسائلی که سال‌خوردگان هنگام واکار شدن به خودشان با آنها مواجه می‌شوند و همچنین مزایای زندگی خانوادگی گسترده منجر به ارزیابی مجدد واحدهای خانوادگی بزرگ شده است. ضمناً یادآوری نمود که در این مورد تغییراتی در طی زمان پدیدار شده که خلاصه این تغییرات به شرح زیر است

فعالیه‌های روزانه زنان

قبل از جنگ جهانی دوم زنان متاهل وقت و انرژی زیادی را صرف مولدیت از خانه می‌کردند. اعضای خانواده معمولاً در بیرون از خانه غذا نمی‌خوردند. لباسهای افراد خانواده فقط در خانه تهیه می‌شد و تعداد فرزندان هم بیشتر بود و همچنین در زمینه‌های آموزشی و شستشو و نظافت اختراعاتی وجود نداشت. در خانوادگی کشاورز که تعداد زیادی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند زنان همه این کارها را به اضافه



همکاری و مساعدت شوهر در مرزعه را نیز برعهده داشتند. مسائلی از قبیل کم شدن اعضای خانواده به خصوص کم شدن تعداد بچه‌ها اصلاحات زیربنایی از قبیل توسعه آب گاز و منابع الکتریسیته و اختراع وسایلی مانند جاروبرقی، ماشین لباسشویی، یخچال و بلویز و استفاده از لباسهای آماده و غذای آماده در دوران بعد از جنگ موجب کم شدن کارهای اعضای خانواده به خصوص زن خانواده شده است. در حال حاضر زن متاهل که کار تمام وقت دارد در یک روز حدود ۳ ساعت و نیم را به خانه خرید و نگهداری از بچه اختصاص می‌دهد. اگر چه در دوران قبل از جنگ زنان لوقت فراغتی نداشتند اما امروزه زنان خانمار تمام وقت دارای وقت اضافی هستند. در یک بررسی که توسط دفتر نخست‌وزیر انجام گرفته بسیاری از زنان به این قبیل سوالات که آیا از زندگی کنونی راضی هستید یا زندگی کنونی شما پرمانا است یا استطاعت مالی در زندگی دارید جواب مثبت می‌دهند.

تأثیر گذاری جنگ در قوانین مدنی در خانواده

بعد از جنگ جهانی دوم مقررات قانون مدنی درخصوص روابط خانوادگی مورد تجدیدنظر قرار گرفت. با نوشتن و تنظیم قانون اساسی جدید و قانون مدنی، نظام خانوادگی سستی زاین و بر خوردهای تبعیض آمیزی را که در آن نهفته بود از بین برد و به زنان متاهل این اجازه را داد که در زمینه‌های مختلف داری و اموال، ارث و طلاق حقوقی مشابه با مردان داشته باشند.

طبق قانون مدنی قدیم که در ماه ژوئن سال ۱۹۸۸ تنظیم شده بود مرد به عنوان رئیس خانواده شناخته شده بود و مردان زیر ۳۰ سال و زنان زیر ۲۵ سال باید اجازه و رضایت پدرانشان را برای ازدواج کسب کنند. زن هم باید نام خانوادگی شوهرش را بپذیرد و هم او را به عنوان مافوق بشناسد. تجدیدنظری که در قانون مدنی بعد از جنگ صورت گرفته این قانون را از بین برد.

دلگانه مدنی جدید به مقدار زیادی به اصل برابری زنان و مردان اهمیت می‌دهد و در مورد ارثیه زن یک سوم سهم و فرزندان، چه پسر و چه دختر به طور مساوی از بقیه نو سوم سهم می‌برند. همچنین در مورد استفاده از دارایی مردان و زنان سهمی یکسان دارند.

از زمان اعلام سال بین‌المللی زن در سال ۱۹۷۵ و اعلان دهه زن از طرف سازمان ملل متحد کوشش زیادی در رابطه با حق قانونی زنان صورت گرفته است. اگر چه قانون اساسی برابری زن و مرد را اعلام کرده بود ولی برای اینکه زن و مرد در تمام جنبه‌های سیاسی، اجتماعی باهمفل شود قوانین و اصلاحیه‌های جدیدی به وجود آمدند. اصلاحیه قانون مدنی سال ۱۹۷۶ حق استفاده زن از نام خانوادگی شوهر را بعد از طلاق یا طایع‌بندی کرد. یک اصلاحیه جدید در سال ۱۹۸۰ سهم قانون ارث را که در قدیم یک سوم بود به یک دوم رساند. در ماه می سال ۱۹۸۴ دولت قانون مربوط به تابعیت را تصویب کرد که به موجب این قانون فرزندی که دارای پدر یا مادر زائینی نباشد به طور یکسان از امتیازات ویژه شهروندان می‌تواند استفاده کند.

باید متذکر شویم که این امتیازات در قدیم فقط به فرزندان که دارای پدر زائینی بودند تعلق می‌گرفت. قوه مقننه نیز به موضوع ارث منظر

قرار داد. به زنان و مردان این اجازه را داد که نام خانوادگی خود استفاده کنند شش ماهی را که زنان می‌بایست بعد از طلاق برای ازدواج بدلی صبر کنند از بین برد. در ماه ژوئن سال ۱۹۹۲ دولت برای اینکه خط مشیهای مربوط به زنان را محکمتر کند تصمیم به ایجاد مرکزی برای پیشرفت و موفقیت زنان گرفت که در این مرکز مردان هم حضور دارند. نخست‌وزیر به عنوان رئیس این مرکز و همه وزیران کابینه به عنوان آن در آنجا ایفای نقش کنند در ماه ژوئیه سال ۱۹۹۶ هیئت مشوره این مرکز دیدگاههای خود را در مورد این موضوع که تا قرن ۲۱ چگونه مردان و زنان با همکاری یکدیگر می‌توانند جمععی ایمنال سازند عنوان کرد. بررسیهایی که انجام گرفته نشان می‌دهد که مقام زن در اجتماع در حال بهبود است ولی در مقایسه با مقام زن در خانواده این مقام نسبت به قبل تنزل پیدا کرده است. در همین بررسیها نسبت زناشویی که معتقدند مردان باید زن را ور باشند و زنان فقط باید به خنکاری بپردازند سقوط کرده است.

شکی نیست که زنان ژاپن از پیشرفت کشورشان ذینفع هستند سطح آموزش و تحصیل آنها در میان پیشرفتهترین کشورها مقام بالایی را دارا است. آنها از بهداشت و طول عمر برخوردار هستند. آنها به نسبت دیر ازدواج می‌کنند و فرزند کمی دارند و دارای اوقات فراغت و استطاعت رفتن به مسافرت هستند با وجود این، در عرصه‌های سیلی و اجتماعی فرصتهای دلاسه محدود است. به زنان فرصت ابراز وجود و مسئول بودن در تصمیم‌گیریها کمتر نده می‌شود. زنان ژاپن در این زمینه حضور نامرئی دارند دولت قنمهای زبلی در رابطه با برابر نمودن زنان و مردان در صحنه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و اقتصادی برداشته است. چنگکه ذکر شد قرار دادن سال بین‌المللی زن و دهه زن در گذشته و طرح چهارمین کنفرانس جهانی زن که در سپتامبر ۱۹۹۵ در پکن برگزار شد موجب شد که اطلاعات و آندیشمها و افکار زنان جهان مورد تبلال نظر قرار گیرد و همچنین تاسیس مراکز برای ترقی و برابری زنان و مردان در سال ۱۹۹۴ در ژاپن قناملت بسیار مهمی برای بردن تبعیضاتی که در گذشته در میان زنان ژاپن وجود داشته بودماند.

در سالهای اخیر در ژاپن دو خانواده به وجود آمدند: یکی خانوادلهایی که دارای درآمد دوبرابرند و فرزندی ندارند. این اصطلاحی است که در اصل در آمریکا اختراع شده و متعاباً رهش را به ژاپن باز کرده است. خانواده دوم خانوادلهایی هستند که دو برابر پول به دست می‌آورند و دارای بچه هستند. در هر صورت زنان نقش مهمی در لنگره کردن خانواده برعهده دارند.

در سالهای اخیر مشکل زنان در مورد حفظ نام خانوادگی مورد توجه قرار گرفته است. براساس قانونی که هم اکنون وجود دارد یک زوج می‌توانند نام خانوادگی شوهر یا زن را انتخاب کنند. اما عملاً همیشه نام فامیلی شوهر انتخاب می‌شود.

اخیراً تعداد زیادی از زنان شاغل متاهل در محل کار نام دوره دوشیزگی خود را استفاده می‌کنند اما این نامهای دوران دوشیزگی در گذشته و امضاهای رسمی معتبر نخواهد بود. وزارت دادگستری پیشنهادی را

ترکیه

خانواده

خانواده واحد اساسی جامعه ترک است. ترکها بسیار خانواده دوست هستند. مردان تمایل دارند ساعتها با دوستان مردشان در قهوهخانه یا کافهها بگذرانند ولی رفتن به سینما تئاتر و گردش در تعطیل آخر هفته معمولاً با شرکت افراد خانواده به عمل می‌آید. علایق تفریح یک خانواده ترک قدم زدن در گردشگاهها و خیابلهای اصلی شهر است. در این فرصت مادر و دخترانش فرصتی پیدا می‌کنند اجناس پشت وپشتین مغازها را بررسی کنند و پسر در حالی که دست پرسرش را در دست دارد در مورد مسائل روز با وی صحبت می‌کند.

نزدیکی و علاقه خانوادگی شامل اقوام و خویشان نیز می‌شود و خانوادلهای ترک هر کدام اقوام و خویشاوندان فرلوانی دارند. وقتی جمعی از افراد فامیل یک خانواده به هم بر خورد می‌کنند با یکدیگر روموسی کرده بهد همگی شروع به صحبت می‌کنند درست مانند این است که مدت درازی از یکدیگر بی‌خبر بودهاند.

امروزه در جامعه ترک تفاوت آشکاری میان روستاییان و شهرنشینان شهرهای بزرگ به چشم می‌خورد و در واقع سنتگرایی و تجددخواهی در تقابل با یکدیگر نمودهای ویژه‌ای یافته‌اند. آنچه مسلم است اینکه خانواده ترک از تاثیر ورود ارزشهای غربی به صحنه اجتماعی بی‌نصیب نمانده است ولیکن به دلیل دیربایی و طول نظام سنتهای حاکم در این زمینه این تاثیرپذیری با مقاومت بیشتری روبه‌رو شده است. بازناب چنین ویژگی را می‌توان در حضور همزمان صورتهای متفاوتی از ازدواج و خانواده در جامعه ترکیه مشاهده نمود که بر طیفی از حاکمیت سنن دیرین تا مدرن‌گرایی به سبک غربی تکیه دارد.

همراه با دگرگونی شکل ازدواج و به موازات نزدیکی به باورهای غربی، شکل خانواده نیز تدریجاً از قالیلهای گذشته دور شد و از صورت



خانواده‌های سنتی گسترده و همبسته به سوی خانواده‌های هسته‌ای و کوچک گرایش یافته است. اما این تعلیل در همه مناطق یکسان نیست. در شمال ترکیه ۲۰ تا ۴۸ درصد از خانواده‌ها به صورت هسته‌ای و در غرب کشور ۷۳ درصد خانواده‌ها دارای چنین ویژگی هستند.

قوانین خانواده

قوانین خانواده در ترکیه بر اساس رسوم خانوادگی تنظیم گردیده است. یعنی مرد (شوهر) رئیس خانواده به شمار می‌آید و باید از خانواده نگهداری کند. در این قوانین زن به عنوان خاندان محسوب می‌شود (بند ۱۵۲ قانون مدنی ترکیه). طبق قانون زنان بعد از ازدواج از نام خانوادگی شوهر استفاده می‌کنند (بند ۱۵۳) و شوهر نماینده قانون محسوب می‌شود و اختیار تام دارد. در صورتی که زن فقط مسئول برآوردن احتیاجات خانواده است (بند ۱۵۵ تا ۱۵۸). زن حق ضمانت شوهر را هنگام بدهی ندارد مگر اینکه از دادگاه مجوز رسمی داشته باشد (بند ۱۶۹).

هر کلام از زوجین حق دارند که درآمد خود را در اختیار داشته و مسئول بدهی قرض خود باشند (در طول و بعد از ازدواج). بعد از طلاق هر کلام از زوجین مالک آنچه که داشته‌اند هستند. قانون جنایی مالک تا به حال از نظر عمومی مثبت بوده است. البته در ترکیه معمول است که شوهر در طول ازدواج موال غیرمتقول همسر خود را به نام خود کند که این خود مشکلاتی را برای زنان بعد از فوت همسر و جنایی (طلاق) برای وی به وجود می‌آورد.



قانون تابعیت

طبق قانون، تابعیت کودکی که از پدر و مادر ترک متولد شده باشد تابع کشور ترکیه است (بند ۱). برای مثال اگر زن خارجی با یک مرد ترک ازدواج کرد زن می‌تواند تابعیت کشور ترکیه را قبول کند.

اگر زن اهل ترکیه با یک فرد خارجی ازدواج کرد می‌تواند برای خود درخواست تابعیت بدهد. وی درخواست خود را به صورت کتبی به وزارت داخله (کشور) می‌دهد شوهر وی با مجوز وزارت داخله می‌تواند تابع کشور ترکیه گردد (بند ۷). اگر زن اهل ترکیه با فرد خارجی ازدواج کرد و تابعیت همسرش برگزیده تابعیت کشور ترکیه را از دست می‌دهد (بند ۱۹). این بند در مورد مردی که با زنان خارجی ازدواج می‌کنند صلیق نیست.

مؤسسه تحقیقاتی خانواده

مؤسسه تحقیقاتی خانواده در سال ۱۹۸۹ در کشور ترکیه تاسیس شد. هدف از تاسیس آن مؤسسه حفظ بنیان خانواده و رسیدگی به مسائل رفاهی آن بود. از اختیارات این مؤسسه می‌توان راهپهای تنظیم خانواده و روشهای مربوط به جلوگیری از نام برد (بند ۱) و وظایف مؤسسه به شرح زیر است:

الف: تجزیه و تحلیل مربوط به باقی خانواده مشکلاتی که ممکن است به خانواده صلحه زند مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و برنامه‌ریزی آموزشی برای خانواده؛

ب: هماهنگی با وزارت آموزش و پرورش برای آماده‌سازی و برنامه‌ریزی آموزشی مربوط به خانواده‌ها و به ویژه در مورد درآمد آنان؛
 پ: تجزیه و تحلیل برخورد فرهنگی در خانواده‌ها؛
 ت: جست‌وجو در تاثیر نتیجه برنامه کنترل جمعیت و کمک به توسعه آن در سطح کشور.

زن مسلمان در خانواده ترکیه

تقدیر نسبی به مقدسات اسلامی در میان خانواده‌های ترکیه کاملاً مشهود است. استفاده از الفاظ اسلامی و اظهار ناراضگی از وضعیت موجود به خصوص در میان اقشار میانی و سالمند و اظهار علاقه بخشی از قشر تحصیلکرده و متشکل به ارزشهای اسلامی نشان می‌دهد که علی‌رغم ضعیف روحیه اسلامی در خانواده‌ها مسلمان دارد اما تبلیغاتی مانند جنایی دین از سیاست اهمیت نقش اقتصاد در مسائل کشوری و مترقی بودن غرب مزید بر علت شده و مسلمانان ترکیه و خانواده‌ها را نسبت به احکام الهی بی‌تفاوت نموده است. واقعیت این است که تغییر آموزش‌های دولتی عمدتاً در پایتخت در شهرهای مهم و توریستی مؤثر افتاده و سایر شهرها و روستاهای ترکیه به مراتب دارای مسلمانی با عقاید و بیره‌های محکمتری نسبت به شهرهای بزرگ هستند. سطح اعتقادات مردمی و خانواده‌ها به خصوص در مناطق دورتر از مراکز تبلیغاتی ترکیه دارای اهمیت ویژه‌ای است. مردم ترکیه به دلیل تبلیغات سوء دولت علیه مذهب اسلام و وجود مفاسد اخلاقی در اجتماع، توانستند اسلام و تعالیم آن در مساجد و خانواده‌های خود را به خوبی حفظ کنند و متأسفانه افکار انحرافی از طریق دانش‌آموزان و دانشجویان صنارس و دانشگاه‌های ترکیه به خانواده‌های مسلمانان این کشور راه یافته است. آموزش مختلط دختر و پسر، وجود مریبان و اساتید مسخ شده در مراکز آموزشی، مبدای اصول افکار نامناسب به خانواده به شمار می‌روند. تلویزیون نیز در سالهای اخیر با گسترش کانالهای تبلیغاتی خود در سراسر کشور به حربه مؤثری در اشناسه مفاسد اخلاقی تبدیل شده است و این تهدیدی برای از هم پاشیده شدن خانواده به شمار می‌رود.

فهرست منابع

۱. رهنورد دکتر زهرا، سفر به‌خار زنان بت سروش، تهران ۱۳۶۶
۲. درریر ک تور، میمای شجسته ترجمه امیرمحمود فخر داعی، نیای کتبه چاپ اول، تهران ۱۳۶۳
۳. کالیز، لاری و لاپیر، نومیکه آزادی در نیمه‌شب ترجمه پروانه ستاری، نشر نو، تهران ۱۳۶۳
۴. تبریزی مهتاب و ملهلمی، شروین آشنایی با کشورهای افریقای غربی و مرکزی (از مجموعه افریقا)، سروش، تهران ۱۳۷۰
۵. لونگ سن، الزامات طبقه دولت، در سوره ترجمه شهیرای خ (از مجموعه طرح مطالعات و اطلاعات خاورمیانه)، پاشا، چاپ اول، تهران ۱۳۵۸
۶. رضایی سلولانی، صلیقه‌سیمی‌ای زن در جهان، مرکز مشارکت امور زنان تهران ۱۳۸۲
۷. گزارش سلامت سازمان ملل متحد ۲۰۰۳